

جنبش کارگری

ایران در سه

ماه اول

سال ۱۴۰۱

////////////////////

ابراهیم پاینده / تیر ۱۴۰۱

اعتصابات و اعتراضات توده های کارگر ایران علیه گرانی مایحتاج زندگی، شدت وحشیانه استثمار، شبه رایگان بودن بهای نیروی کار و تعویق طولانی مدت پرداخت دستمزدها، بیکار سازی ها و مصادره جنایتکارانه مزدها توسط سرمایه داران و دولت اسلامی سرمایه در جهنم سرمایه داری ایران به یکی از بالاترین و خیره کننده ترین رکوردها رسیده است. کارگران در سه ماه اول این سال مجموعاً ۵۹۸ اعتراض و اعتصاب علیه سرمایه صورت دادند که بی شک ادامه سه ماه آخر سال گذشته با رقم ۸۲۱ اعتراض در سراسر ایران بوده است. این در حالی است که معمولاً شمار اعتصابات و اعتراضات در آغاز هر سال بسیار کمتر از ماه های بعدی است و کم کم اوج می گیرد و در سه ماه آخر سال به بالاترین حد خود می رسد. اهم اعتراضات در ماه خرداد از جانب کارگران بازنشسته در شهرهای زیادی صورت گرفت که ادامه ماه های قبل بود. هم چنین کارگران حوزه آموزش سرمایه (معلمان) در برخی شهرها در اعتراض به شرایط سخت کار، دستمزد پائین و عدم امنیت شغلی دست به تجمع زدند. روز پنجشنبه ۵ خردادماه کارگران پروژه های شرکت ناورد پتروپالایش کنگان در اعتراض به عدم افزایش دستمزد امسال به میزان ۵۷ درصد، عدم اجرای نوبت کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت و وضعیت نامناسب غذا و خوابگاه های غیربهداشتی مجدداً دست به اعتصاب و تجمع زدند. این آغاز اعتصابات مجدد کارگران پیمانی عسلویه، کارگران پیمانکاری فازهای مختلف پارس جنوبی بود و به کارگران شرکت های پیمانکاری آجین، نوآوران، اولنگ و تأمین نیرو و شرکت پیمانکاری فنی مهندسی پترو پارس گسترش یافت. کارگران پیمانکاری پالایشگاه فازهای ۹ و ۱۰ عسلویه و سپس کارگران داربست بند پیمانکاری های مناطق جنوب، حوزه های نفت و گاز و



پتروشیمی‌ها یکی پس از دیگری دست به اعتصاب و توقف تولید سود سرمایه زدند. این طور بنظر می آید که نوعی همبستگی طبقاتی بین کارگران، هر چند در حوزه های معین و محدود به همان تعداد کارگر، بسیار سطحی و موقتی برقرار است. اما این وضع مدت هاست تغییری نکرده و با وجودی که دردها یکی است، دشمن طبقاتی ما، طبقه سرمایه دار و دولتش است و با وجودی که این گزارش فقط گوشه ای از مبارزه طبقاتی ما کارگران علیه سرمایه داران در این سه ماه است این روند مبارزه هر روزه ما در ماه ها و حتی سال های اخیر است، اما همین گزارش کوتاه نشان می دهد که یک جای کار ما لنگ است و آن این که اعتصابات و اعتراض ما در محدوده چهاردیواری محل کارمان، حوزه معینی از کار و تولید باقی می ماند و ما یکدیگر را، کارگران دیگر را که با فقر، نداری، عدم آینده معیشتی دست و پنجه نرم می کنند جستجو نمی کنیم تا شمار هر چه کثیرتر همزنچیرانمان را با خود همراه کنیم، به نیرویی تبدیل شویم که خروش آن لرزه بر اندام سرمایه داران و دولت آن ها اندازد و سرانجام یک جنبش سراسری نیرومند شورایی گردیم. این را همه بخوبی می دانیم و با پوست و گوشت تن خود حس می کنیم که جامعه سرمایه داری بطور کلی میدان جنگ گریزناپذیر، محتوم و همیشه جاری میان دو طبقه کارگر و سرمایه دار است. و رژیم سرمایه ایران از این مستثنی نیست و اکنون به هارترین وجهی به هر حرکت کارگری هجوم می برد، دستگیر و روانه شکنجه گاه می کند. عجز و زبونی رژیم تا دندان مسلح در مقابل کوچکترین حرکت ما ایجاب می کند که باید مبارزه علیه سرمایه و حاکمانش را وسعت بخشیم، سازمان دهیم، سراسری نمائیم و شورائی متشکل سازیم. برای اینکه سرمایه داران و دولت آنها را مجبور به عقب نشینی کنیم، برای اینکه صاحبان سرمایه را مجبور به پرداخت دستمزدها یا تحقق هر خواست دیگر بنماییم باید از همبستگی و حمایت همه آحاد کارگران حوزه خود و سایر کارگران برخوردار باشیم تا قدرتی بیش از محدوده ی محل کار خود بشویم. این که ما به قدرت عمل مشترک و طبقاتی خود آگاه نیستیم و آن را علیه سرمایه داران و دولت آن ها بکار نمی گیریم. این که ما هنوز موفق به رجوع به قدرت جمعی، طبقاتی و واقعی خود نگردیده ایم فقط نفعش به سرمایه و دولتش می رسد. ما علیه اساس مزد بگیر بودن می جنگیم و عجالتا و مادام که قدرت جنگیدن ما محدود است نتیجه این جنگ را به صورت مزد بیشتر و معیشت بهتر دریافت می داریم. اما زندگی ما، افراد خانواده های ما و آحاد کارگری محدود به حوزه بهای نیروی کار و بهبود شرایط معیشتی نمی باشد، مربوط به کل عرصه های حیات اجتماعی و تمامی پهنه های جدال کارگران با سرمایه از مزد گرفته تا هر گونه حق و حقوق اجتماعی و انسانی، آزادی های سیاسی، تبعیضات جنایتکارانه جنسی و قومی، مسایل زیست محیطی، مسکن و ماوای زندگی و کل موجودیت نظام بردگی مزدی می باشد. آیا ما این توان و گنجایش را داریم که در همه این عرصه ها وارد نبرد با سرمایه شویم یا اینکه فاقد این

ظرفیت هستیم و سوای قبول وضع موجود هیچ چاره دیگری نداریم. جنبش کارگری نه فقط ظرفیت سازمان یابی قدرت سراسری ضد کار مزدی خود را به تمام و کمال دارد که هیچ راه چاره دیگری جز این ندارد. وضعیت رقت بار و رعب آور موجودش نیز صرفا محصول گریز از انجام این کار و ایفای این نقش است.

